

تبیین چهارچوبهای نظری برای نمایشگاه و پایگاه اطلاع رسانی تاریخ جنگ

اشاره: دوران هشت سال دفاع مقدس در برابر تجاوز همه جانبه نیروهای اشغالگر، از ویژگیهای برجسته و غرور آفرین تاریخ ملت ایران است. مقاومتها، رشادتها، ایثارگریها، جانفشانیها و... از جمله ویژگیهای مهم این دوران است که بروز و ظهور آن در طول تاریخ ملت ایران و حتی جهان برای دفاع از کیان خود، کمتر اتفاق افتاده و می افتد. سابقه فرهنگی و تمدنی مردم ایران بیانگر این موضوع است که دفاع از سرزمین با پشتوانه داخلی به شرایط خاصی نیازمند است که به گواه تاریخ، دست کم در دو قرن اخیر، برای نخستین بار در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران پدید آمد.

بنابراین، انتقال ویژگیهای این دوران همراه با تمامی ابعاد و اجزای فرهنگی و اجتماعی آن به نسلهای کنونی و آینده، مستلزم بهره گیری از تمامی ابزار و تکنیکهای علمی و تجربی موجود است. موزه یکی از امکانات و ابزارهایی است که هرچند سابقه مهم و چندانی در کشور ما ندارد، اما با توجه به اهمیت یافتن آن در دنیای امروز و کارکردهای مهمی که می تواند در زمینه انتقال فرهنگ برعهده گیرد، باید برای بهره گیری مناسب و درست از آن در کشورمان گامهای مؤثری برداشته شود. دوران هشت سال دفاع مقدس، برگ زرین و مهم تاریخ ملت ایران است که با گذشت حدود شانزده سال از پایان آن، از راههای مختلفی تلاش می شود به شکل مناسب و کارآمدی در سابقه فرهنگی تمدنی این ملت زنده نگه داشته شود.

تأسیس نمایشگاه و پایگاه اطلاع رسانی تاریخ جنگ نیز در این زمینه ارزیابی می شود که هر چند سابقه آن، تنها حدود سه سال بیشتر نیست، اما تلاشها و فعالیتهای درخور توجه انجام شده در این مورد بیانگر آن است که چهارچوبهای نظری جالبی در مورد موزه جنگ ایران در محلی با همین عنوان صورت گرفته است.

فصلنامه نگین ایران با هدف ارج نهادن بدین تلاشها و از طرف دیگر، آگاهی از روند اقدامات و فعالیتهای صورت گرفته، در صدد برآمد تا با انجام مصاحبه حضوری با برادر ارجمند آقای امیر رزاق زاده، مسئول پروژه موزه جنگ مرکز مطالعات، نظرها و دیدگاههای ایشان را در این مورد جویا شود. آنچه در ادامه خواهد آمد خلاصه اظهارات آقای رزاق زاده در مورد موزه جنگ ایران است.^(۱)



بسم الله الرحمن الرحيم. نخست، بیشتر به بحثهای ریشه ای می پردازم و بعد در مورد سابقه کار مطالبی ارائه می کنم.

در مورد تأسیس موزه جنگ بر اساس مطالعات و تعریف موجود عمل کردیم. به همین منظور در همان آغاز کار، دستیابی به تعریف درستی از فرهنگ را لازم دیدیم. در این راستا، یکی از تعریفهای کلی را در نظر گرفتیم و سپس در سیر مراحل کار، به تعریفهای جامع تری رسیدیم. یکی از

(۱) در اینجا لازم می دانیم از آقای رضا مؤمن زاده که در تهیه و تدوین این گفتگو نقش اصلی را بر عهده داشتند تقدیر و تشکر نماییم.



امیر رزاق زاده:

**فرهنگ ویژه ایرانی که بیشتر نشئت گرفته از فرهنگ
شنیداری است، از موزه چندان استقبالی نمی‌کند
ما در انقلاب خودمان به طور مشخص این واقعیت را
شاهد بودیم، طوری که در آن زمان، پخش نوارهای کاست،
یا شنیدن سخنرانیهای مختلفی که در مسجدها، معبرها و
منبرها، صورت می‌گرفت و مباحثه‌ها و تبادل نظرهایی که
می‌شد، بیشتر نشان دهنده این بود که جامعه ما به فرهنگ
شنیداری تمایل دارد**

وجود ندارد. مرکز شناخت خدا و عرصه هستی آن قدر بزرگ است که دیگر در یک مکان محصور نمی‌شود. به عبارت دیگر، مجموعه هستی را در یک مکان به نام موزه محدود نمی‌کنند. تمام هستی، تجلی خداست؛ بنابراین، دانشها، تجلی صفات و اسمای پروردگار هستند. بدین ترتیب، در این دوره، با نام موزه برخورد نمی‌کنیم، هرچند برخی از اندیشمندان و خبرگان معتقدند که در آن دوران، مسجدها و دیگر مکانهای مقدس کارکرد موزه را پیدا کرده بودند؛ چرا که در آنجا، افراد به عبادت خدای خود مشغول می‌شدند. دوره سوم، دوره‌ای است که بعد از رنسانس شکل می‌گیرد. در این دوره، انسان به انقطاع فرهنگی دچار و این نگرش، به ویژه در غرب حاکم می‌شود که انسان مرکز عالم است و از منظر مرکزیت خود، به جهان می‌نگرد، یعنی انسان سوژه و تمامی هستی موضوع آن می‌شود، اما در دوره چهارم، که دوره معاصر است، دیگر موزه‌ها عجایب خانه‌ها نیستند. با توجه به مفاهیم بنیادی، موزه از شکلهای قالبی خارج می‌شود و از محدودیت بیرون می‌آید، تفکر شکلی کنار گذاشته و با تفکر مفهومی به آن نگاه می‌شود. موزه، آزمایشگاهی که انسان در آن سفر و اکتشاف می‌کند، فرهنگها و تمدنها را می‌شناسد، با موضوعات مختلف آشنا می‌شود و در موضوعات متفاوتی که به آن نظر می‌کند، شناخته می‌شود.

افزون بر مطالعات مفهومی و پایه‌ای که در مورد موزه‌ها داشتیم و بخشی از نتایج آن پیش از این آمد، تاریخچه موزه در ایران و جهان را نیز مطالعه کردیم. موزه‌های معروف جهان، مانند لور فرانسه، آرمتاژ روسیه و موزه‌های نیویورک را بررسی کردیم و البته، سوابق و اسناد آنها را در اختیار داریم. در واقع، سابقه موزه در ایران به دوران ناصرالدین شاه بر

تعریفهای عمومی در مورد فرهنگ که با آن برخورد کردیم، عبارت است از: فرهنگ، کلی‌ترین بینش و نگرش انسان به جهان است. به سخن دیگر، فرهنگ مجموعه باورها، فضایل، ارزشها، آرمانها، دانشها، هنرها، آداب، فنون و اعمال جامعه و در حقیقت مبین ساخت و تحول و کیفیت زندگی یک ملت است، تا جایی که در وجوه مختلف زندگی، مانند اقتصاد، مدیریت، صنعت، جنگ، شهرسازی، معماری و ... آن ملت تجلی پیدا می‌کند و به منزله روحی است که در کالبد تمدن آن قوم جریان دارد. این تعریف کلی، که در واقع، شاکله اصلی موضوع بود، ما را به سوی ورود به بحث موزه رهنمون کرد. در آغاز، مطالعاتی در مورد سابقه و مفهوم موزه‌ها شروع شد که بخشی از نتایج آن را در اینجا ارائه می‌کنیم. از نظر مفهومی، سابقه موزه در چهار دوره، قابل ارائه و تمیز است. دوره نخست، دوره باستانی است که در آن، تفکر انسان نوعی تفکر باستانی است. باید یاد آور شد که در اصل، واژه موزه واژه‌ای فرانسوی است. البته، موزه نام تپه‌ای در آتن بود و فرانسویان این واژه را از آتنیها گرفتند. در یونان باستان، موزه به عبادتگاهی گفته می‌شد که در آن، نه الهه زن وجود داشت. این دختران نه گانه، فرزندان زئوس و نه موزینه بودند. نه موزینه الهه یاد و خاطره و کارش به یاد آوردن است و در مقابل، لته یا الهه فراموشی قرار دارد. این دو الهه چشمه‌هایی هستند که انسان با گذر از هر یک از آنها به حقیقت ازلی می‌رسد. در این دوره، تمام دانش‌های بشری نه دسته بودند که بین نه الهه تقسیم شده بودند. هر الهه یکی از همان دختران نه گانه بود. در این تفکر، موزه محلی برای پرستش محسوب می‌شد و الهه‌های مختلف مجموعه موزه‌ها را در بر می‌گرفتند. دوره دوم، دوره ادیان الهی است در این دوره، دیگر چیزی به نام الهه

می‌گردد، اما به طور رسمی، از سال ۱۲۹۵ شکل گرفت که نظامنامه‌ای برای موزه ملی ایران در نظر گرفته شد. موزه در ایران بیشتر با تفکر ذخیره‌سازی، نگهداری و حفظ اشیای در یک چهاردیواری شکل گرفت و اغلب موزه‌هایی که در ایران به آنها پرداخته شد، شی‌محور بودند. از موزه به عنوان محل نگهداری یا انبار استفاده می‌شد و از موضوعات مفهومی فاصله داشت. این در حالی بود که در غرب، نوعی نگرش مفهومی به موزه‌ها پدید آمده بود و از موضوعات مختلفی که می‌توانست مفهومی یا انتزاعی باشد، برداشتهای مختلفی متبادر می‌شد و آنها را در موزه به نمایش می‌گذاشتند. همچنین، با بررسی انجام شده، متوجه شدیم موزه‌هایی که در ایران و به طور خاص در تهران هست، ظرف نیم دهه، ۴۵ هزار نفر بازدید کننده داشته است، یعنی به طور میانگین، سالانه، نه هزار نفر از این موزه‌ها بازدید کرده‌اند، در صورتی که موزه‌های بزرگ دنیا، مانند آرمیتاژ یا موزه‌های دیگر به شبکه‌های موبایل و اینترنت وصل شده‌اند، به شکلی که با فشار دادن یک دکمه شما می‌توانید شی مورد نظر خود را در صفحه موبایلی، که قابلیت‌های موج سوم (نسل سوم) دارد، مشاهده کنید. این روش بسیار جالبی است، یعنی به جای اینکه شما به تماشای موزه بروید، موزه به منزل شما می‌آید. جالب است بدانیم یکی از بحث‌هایی که در حال حاضر، در دنیا مطرح است، بحث ساختن موزه‌های مجازی است، مانند کتابخانه‌های مجازی به هر حال، یکی از نتیجه‌های مهمی که مطالعات مزبور برای کار ما داشت، این بود که میزان بازدید کننده از موزه‌های ایران بسیار اندک است. البته، در مورد دلایل این موضوع باید عرض کنم که فرهنگ ویژه ایرانی که بیشتر نشئت گرفته از فرهنگ شنیداری است، از موزه چندان استقبال نمی‌کند. مردم ایران تمایل دارند دیده‌های خود را با مطلبی شنیداری، مانند نقالی و پرده خوانی توأم کنند. ما در انقلاب خودمان به طور مشخص این واقعیت را شاهد بودیم، طوری که در آن زمان، پخش نوارهای کاست، یا شنیدن سخنرانیهای مختلفی که در مسجدها، معبرها و منبرها، صورت می‌گرفت و مباحثه‌ها و تبادل نظرهایی که می‌شد، بیشتر نشان دهنده این بود که جامعه ما به فرهنگ شنیداری تمایل دارد، اما با توجه به تحولاتی که به تازگی صورت گرفته است، فرهنگ دیداری نیز در آن رواج پیدا می‌کند. به سخن دیگر، با ترویج فرهنگ رسانه‌ای که از چند دهه پیش در کشور رواج یافته است، مردم تا حد زیادی به فرهنگ دیداری تمایل پیدا کرده‌اند. موزه‌های مختلفی نیز که در ادامه مطالعاتمان از آنها بازدید شد، بیانگر آن است که به سمت تخصصی شدن در

امیر رزاق‌زاده:

بازدیدکنندگان ضمن حس کردن وقایع دوران جنگ به دور از احساسات، به ریشه و عقلانیت و منطق آن پی می‌برند و متوجه می‌شوند که وقایع جنگ و تصمیم‌های آن از چه مسئله‌ای ناشی بوده، طراحی‌ها و اقدامات بر چه اساسی صورت گرفته و ضرورت‌ها و اولویت‌ها چه بوده است

حال گسترش‌اند. ما چه پیش و چه پس از انقلاب، تأسیس موزه‌های مختلفی را در زمینه‌های تخصصی شاهد بوده‌ایم. مانند موزه فرش، شیشه یا آبگینه، مردم‌شناسی، تمبر و پست، تاریخ طبیعی و دیگر موزه‌هایی که در این زمینه وجود دارد. به همین دلیل، با توجه به اهداف مورد نظر، احساس کردیم جای موزه جنگ بین این موزه‌ها خالی است؛ بنابراین، با توجه به کلیاتی که در ذهن داشتیم، دست به کار شدیم. مهم‌ترین تصمیمی که از آغاز کار گرفتیم، این بود که از مدل‌های معنایی و مفهومی استفاده کردیم. بعد از آن، با طرح‌ریزی مدل‌های منطقی توانستیم مدل‌های فیزیکی را سازماندهی کنیم. سپس، در مرحله اجرا، مدل‌های اجرایی را منظور کردیم. بنابراین، تعریف چهارچوب خاصی برای کار در حوزه نظری، عمده‌ترین نیاز ما بود که در قالب مسیر مزبور به ترتیب: مدل مفهومی، منطقی، فیزیکی و اجرایی مبنای حرکت ما شد، اما پیش از آن، برای موزه چندین کارکرد را تعریف کردیم. نخستین کارکرد، تبلیغی بود. این کارکرد بیشتر حالت سطحی و حسی داشت و با حواس ظاهری و بحث‌های دیداری و شنیداری مرتبط بود. کارکرد تبلیغی به تبیین اتفاقات و سیر وقایع و رخدادهایی می‌پرداخت که در این زمینه وجود دارند. همچنین، چگونگی به ظهور رسیدن ارزش‌ها و اتفاقات در زمینه جنگ و دفاع مقدس را بررسی می‌کرد.

کارکرد تبیینی کارکرد بعدی و عمیق‌تری است که شاید بعضی آن را کارکرد عقلانی بنامند؛ زیرا، بیشتر بر عقل، منطق و فلسفه مبتنی است و در واقع، به تبیین موضوع می‌پردازد. در این مرحله، به عنوان گام اساسی در نظر داشتیم که موضوع جنگ، دفاع مقدس، مخاطبان، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و زوایای مختلف آن را بررسی کنیم و به ابهامات، شبهات و

شریعتی می‌گفتند: «واقعه عاشورا را امام حسین (ع) و یارانش رقم زدند، اما برای انتقال پیام آن برای بازماندگان باید زینب گونه عمل کرد که اگر این گونه نباشد یزیدی هستیم». در این گام، تصمیم‌گیری با انواع و اقسام رسانه‌ها، وسایل و ابزار موجود، اراده قدرتمند و فراگیر ملی را به نسلهای مختلف منتقل کنیم. این کار با شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود؛ به صورت متن، جدولها و نمودارها یا ترکیبی از این دو یا به صورت گرافیک، تصویرها، فیلم یا مولتی مدیا^(۱)، که کارکرد رسانه‌ای را در عرصه‌های مختلفی که برای این مجموعه پیش‌بینی شده است، نمایان می‌کند، در حال حاضر این مجموعه فرهنگی (موزه جنگ) کتابخانه، پایگاه اطلاع‌رسانی، آمفی تئاتر و سالنهای مختلفی را شامل می‌شود که قرار است تا حد امکان، این مفاهیم را تبیین و آنها را بر اساس کارکردهای مزبور، منتقل کنیم.

به هر حال، بر اساس چهارچوب مزبور، اصول و اهدافی را در نظر گرفتیم اهداف عام و خاص را شامل می‌شود. برخی از مهم‌ترین آنها که مورد توجه قرار گرفت، عبارت‌اند از:

- ۱) اهتمام نسبت به شناخت تمامی موضوعات مربوط به جنگ،
- ۲) ارتقای فرهنگ عمومی و تقویت روحیه جهادگری و حماسه‌گری،
- ۳) هدایت افکار و تصحیح تلقیات عمومی در مورد جنگ که به منزله امانت‌گراقتدیری نزد ماست؛
- ۴) انتقال آن به نسلهای آینده از راههای مختلف؛
- ۵) زنده‌نگه داشتن و جاودانه کردن اصول و ارزشها برای مردم و نسلهای آینده به منظور دستیابی به قله‌های افتخار؛

پرسشهایی موجود در این زمینه پاسخ دهیم؛ چرا که این کارکرد موجب می‌شود توده مردم در جریان نتایج مسائل قرار بگیرند. بدین ترتیب، بر اساس مفاهیم اساسی، که در بخش نخست بیان شد، بازدیدکنندگان ضمن حس کردن وقایع به دور از احساسات، به ریشه و عقلانیت و منطق آن پی می‌برند و متوجه می‌شوند که وقایع جنگ و تصمیمهای آن از چه مسئله‌ای ناشی بوده، طراحی‌ها و اقدامات بر چه اساسی صورت گرفته و ضرورتها و الویتها چه بوده است. در واقع، تمامی اینها در بحث کارکرد تبیینی موضوع می‌گنجد. در مورد این کارکرد باید یادآوری کرد که بر اساس نظر سنجی‌ها و نیازسنجیهای صورت گرفته از افراد بدین نتیجه رسیدیم. کارکرد سوم، آموزشی است. در واقع، در گام سوم، با عبور از لایه دوم و شناخت و معرفتی که بازدیدکنندگان پیدامی‌کنند، می‌توانند به کنه قضایای پی‌برند، راه آینده خود را بیابند و مسیر آینده خود را بر اساس تجربه‌های پیشینیان مشخص کنند. در نهایت خروجی، نتیجه و کارکرد دریافتهایی که بازدیدکنندگان ما خواهند داشت، این است که به جمع‌بندی‌ای می‌رسند که به نظر ما انتقال تجربه‌ها بود. این نیز می‌تواند در عرصه داخلی و خارجی کارکرد آموزشی داشته باشد. کارکرد بعدی، رسانه‌ای بود. در واقع، انتقال مفاهیمی که طی سالهای متمادی اخذ شده است، رسالت سنگینی را بر دوش مامی گذارد که باید به شیوه‌های مختلف آن را منتشر کنیم. مامی توانیم دوران جنگ را با واقعه‌ای، مانند عاشورا تبیین کنیم.

به هر حال، در این جنگ، وقایعی رخ داده است و ما باید به قول دکتر شریعتی، زینب گونه، آن را منعکس کنیم. دکتر



(1) Moti Madia

۶) جلوگیری از تحریف مطالب و موضوعات جنگ؛
۷) اهتمام علمی و عملی در مورد تقویت احساسات ملی و دینی و ارتقای فرهنگ خودباوری که در جنگ به آن دست یافتیم و

۸) هماهنگی و همسویی و وحدت رویه سیاست‌گذارها، برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریها، که به آن به صورت امری ملی نگاه می‌شد، نه امری صنفی. تشکیل کمیته هنری در همین راستا صورت گرفت. برای این کمیته اهداف ویژه‌ای را مد نظر قرار دادیم که شاکله آن تدوین اصول حاکم بر محتوای آثار هنری با مفهوم دفاع مقدس باشد. البته، برای مفهوم هنر تعریف ویژه‌ای مورد نظر بود که گفته خواهد شد. به هر دلیل، برای کمیته هنری اهدافی در نظر گرفته شده بود از جمله:

۱) جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، مجموعه‌سازی، پردازش و ارائه آثار، مفاهیم، ارزشها و آمار و اطلاعات برای تبیین اصول مورد نیاز؛

۲) بررسی و اظهار نظر کارشناسی در مورد موضوعات ذی ربط؛

۳) برنامه‌ریزی و زمان‌بندی لازم در امور مختلف؛

۴) انجام هماهنگی لازم بین کارشناسان، ناظران و مجریان در مورد طراحی، ساخت و نصب آثار؛

۵) معرفی هنرمندان و افراد مجرب و حاذق و بازدید از آثار آنان برای انتخاب افراد شایسته؛

۶) تشکیل بانک اطلاعات از هنرمندان و آثار موجود،

۷) هماهنگی و نظارت بر حسن انجام امور؛

۸) ارائه گزارشهای کمیته و اقداماتی که در این زمینه انجام شده بود؛

۹) دریافت اطلاعات موجود در موزه‌های جنگ در نقاط مختلف دنیا؛

۱۰) اخذ تجربه‌ها از موزه‌های جنگ کشور و

۱۱) استفاده از پایان‌نامه‌ها یا حمایت از افرادی که در این زمینه کار می‌کنند تا آثار آنها تدوین و ارائه شود. بر اساس همین چهارچوب ذهنی، بدین نتیجه رسیدیم که هنر موارد مختلفی را شامل می‌شود. نخست، تصمیم گرفتیم نمادهای مد نظرمان را تعیین کنیم.

در جنگ و انقلاب به طور مشخص، با سه نماد روشن درگیر بودیم که می‌توان آنها را آثار هنری جلوه‌گر کرد:

۱) نماد انسانی،

۲) نماد دینی - مذهبی و

۳) نماد ملی.

با توجه به اینکه سه نماد مزبور جلوه خاصی در عملکرد،

مهم‌ترین اهداف تأسیس پایگاه اطلاع‌رسانی جنگ عبارتند از:

۱) اهتمام نسبت به شناخت تمامی موضوعات

مربوط به جنگ؛

۲) ارتقای فرهنگ عمومی و تقویت روحیه

جهادگری و حماسه‌گری؛

۳) هدایت افکار و تصحیح تلقیات عمومی در مورد

جنگ که به منزله امانت گرانقدری نزد ماست؛

۴) انتقال آن به نسلهای آینده از راههای مختلف؛

۵) زنده نگه داشتن و جاودانه کردن اصول و

ارزشها برای مردم و نسلهای آینده به منظور

دستیابی به قله‌های افتخار

آثار و کارکرد نیروهای مسلح، مردم و رهبری داشت، تصمیم گرفتیم در این چهارچوب نمادهای مزبور را احصا کنیم. از طرف دیگر، برای هنر، انواع مختلفی قائل شدیم. هنر بصری را که بیشتر به تناسب فرم و فضای پردازد، مد نظر قرار دادیم. فرم شامل رنگ، حجم و... که می‌تواند روی افراد تأثیر بگذارد. در واقع، این هنر منشأ هنر انتزاعی است، اما هنر مفهومی، هنری است که به مفهوم می‌پردازد و به تناسب کاری ندارد و در واقع، نقطه مقابل هنر بصری است. برای نمونه، وجود قناری در قفسی که در آن باز است، می‌تواند بیانگر مفهوم خاصی باشد که در ذهن مخاطب جای می‌گیرد. همچنین، بر اساس مطالعاتی که داشتیم، به ایده‌های تصویرنگاری، که به تبادل فکر و اندیشه با تصویر می‌پردازد، دست یافتیم. در مرحله بعد، به بحث اندیشه‌نگاری، که بیشتر با معانی درونی تصویر ارتباط پیدا می‌کند، توجه کردیم، طوری که مشاهده یک تصویر می‌توانست در ذهن بیننده ایده خاصی را تداعی کند.

توجه به هنر مفهومی به دو دلیل در دستور کار ما قرار گرفت. یکی اینکه قصد داشتیم موزه را از حالت سکون خارج کنیم و به آن روح ببخشیم و همچنین، به دلیل فاصله‌ای که مردم ایران با فرهنگ دیداری دارند. با توجه بدین چهارچوب، میزان توجه به هویت ملی، مذهبی و انسانی جامعه ایران را در الگوهای دیگری پی گرفتیم. در نخستین قدم، آثار هنرمندان و استادان را مطالعه کردیم. اثر استاد فرشچیان در زمینه عصر عاشورا یکی از این آثار محسوب می‌شود که به تعبیر بسیاری از افراد، خود روضه‌ای است، یا به شهادت رسیدن حضرت علی اصغر(ع) در آغوش پدر، که این هم به نوعی، یکی دیگر از پرده‌های عاشورا است و می‌تواند

امیر رزاق زاده:

هر چند جنگ در ذات خود، نمایانگر خشونت، کشت و کشتار و صفحه سیاهی است، اما ما معتقدیم که در جنگ تحمیلی، دنیایی از عواطف، احساسات، مفاهیم و معانی نهفته است؛ بنابراین، تصمیم گرفتیم این صفحه سفید را در کنار صفحه سیاه، متجلی و آن را نمایان کنیم؛ بنابراین، به بحثهای نمادسازی و مفهوم سازی گرایش پیدا کردیم

مسائل جنگ، می توانستیم این واقعیتها را ببینیم. برای نمونه، خود ما شاهد بودیم که نیروها در عین تشنگی، اسیران را سیراب می کردند. درست است که این از تعالیم دینی ما متأثر بود، اما از سوی دیگر، به انسانیت رزمندگانی بر می گشت که در جبهه و جنگ بودند. در طرف مقابل هم، چنین افرادی دیده می شدند، اما تعداد آنها بسیار اندک بود. به هر حال، ما باید این جنبه موضوع را هم پرورش بدهیم و به صفحه سفید جنگ نیز بپردازیم. همان طور در ادبیات که نمادسازی می کند و لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد یا ویس و رامین را به عنوان نماد عاشق و معشوق در نظر می گیرند، ما هم طی هشت سال جنگ در این مناطق و جغرافیای عرصه های مختلف کشورمان بسیاری از این نمونه نمادهای انسانی داشتیم که یک به یک آنها را دنبال کرده و می کنیم تا به آنها دست یابیم. نماد مذهبی و دینی جنگ این بود که ما شهرهای مرزی عراق را مورد تعرض قرار نمی دادیم. تا پایان جنگ، به شهرهای بصره، مندلی و حلبچه یا دیگر شهرهای مرزی، تعرض نشد، به همین دلیل، اقبال مردم عراق از اسلام و کشور اسلامی ما بسیار زیاد بود؛ موضوعی که می تواند به عنوان نمادی مذهبی مطرح باشد، ضمن اینکه شاخصهای دیگری هم داشتیم که می تواند بر گرفته از اینها باشد. در نماد ملی هم افراد می خواستند از آب و خاک خود دفاع کنند. بر اساس آمار و اطلاعات گردآوری شده، هر چند در کشور ما، اسلام به عنوان دین رسمی شناخته شده و مذهب ما شیعه بود، اما در جنگ، اقلیتهای مختلفی، همچون زرتشتیان، مسیحیان، آشوریان و یهودیان نیز شرکت کردند و شهید هم دادند که آمارشان مشخص و ملموس است؛ موضوعی که نشان دهنده این است که افزون بر مسلمانان، افراد دیگری از قومیتها و ادیان مختلف

نمایانگر مباحث مفهومی مورد نظر و تداعی کننده یک دنیا معنا باشد یا همین شعر گل یاسی که آقای غلامعلی سروده است، نیز، یک روضه است که تاریخ اسلام و مظلومیت حضرت زهرا (س) را در قالب شعر بیان کرده و به صورت معنایی و مفهومی بدان پرداخته است؛ بنابراین، ما نیز با توجه به نمادهایی که در جنگ وجود دارد و شاخصه های مختلفی که از آن دیده ایم، بدین سمت گرایش پیدا کردیم.

هر چند جنگ در ذات خود، نمایانگر خشونت، کشت و کشتار و صفحه سیاهی است، اما ما معتقدیم که در جنگ تحمیلی، دنیایی از عواطف، احساسات، مفاهیم و معانی نهفته است؛ بنابراین، تصمیم گرفتیم این صفحه سفید را در کنار صفحه سیاه متجلی و آن را به صورتی نمایان کنیم؛ بنابراین، به همان بحثهای نمادسازی و مفهوم سازی گرایش پیدا کردیم که بتوانیم این معانی و مفاهیم را در آثار هنری متجلی و بحثهای تحقیقی و پژوهشی، مردم شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی جنگ را بازگو کنیم و بر اساس نیاز سنجی از مخاطبان، چهارچوبی را بر اساس این مبانی تعیین کنیم. البته، در بحث نمادها، مباحث کلان را نیز مشخص کردیم. در نمادهای انسانی، مفهومها و تعبیرهای متضادی از جمله عشق و نفرت داریم. شما در جبهه عراق و ایران می توانید عشق و نفرت را ببینید. همچنین، اشک و لبخند را که به عنوان حالت خاصی از انسان متبادر می شود یا انسانیت و ذاتی که افراد متفاوت در هر دو جبهه داشتند. این خیلی ارزشمند بود؛ بنابراین، مادر مباحث خود، چهارچوبهایی را مطرح و در این زمینه، با شخصیتهای مختلف بحث کردیم و مثل یک تصویربردار یا عکاس، که باید لحظه ها را شکار کند، صحنه های عشق یا نفرت را احصا کردیم. در بسیاری از

برای دفاع از این آب و خاک به پا خاستند، جنگیدند و به شهادت رسیدند که می‌توانیم از اینها با نام نماد ملی یاد کنیم. افزون بر این، در خلال این بحثها، چند شاخص دیگر مورد توجه قرار گرفت که یکی از آنها ایثار بود. وقتی این مقوله تجزیه و تحلیل شد، متوجه شدیم که در دین مسیحیت، مسیحیان مصلوب شدن حضرت مسیح (ع) را به عنوان ایثار در نظر می‌گیرند، در صورتی که ما جلوه‌های ایثار را در عرصه‌های مختلف جنگ تحمیلی دیده‌ایم. این باز چتر گسترده‌ای است و شمانمی‌توانید آن را مختص صنف، قشر، طبقه یا نیروی خاصی بکنید. در هر حال، در این عرصه، شاخص‌هایی که در بحث معنایی و مفهومی در نظر داشتیم، ایثار، شجاعت، مقاومت و پایداری، استقامت، رشادت، شهادت، اسارت، آوارگی و فداکاری و وحدت را شامل می‌شد، طوری که قومیت‌های مختلف، مانند عرب، ترک و کرد که در ازمنه مختلف تاریخی، با هم درگیری‌های بسیاری داشتند، در جنگ با هم متحد شده بودند و علیه دشمن واحدی پیکار کردند. همچنین، می‌توان به وحدت نیروهای مسلح اشاره کرد که در این مقوله، از شعار سپاهی و ارتشی دولشکر الهی یا گاه یک لشکر الهی یاد می‌شد. به هر حال، اینها موضوعات مد نظر بود که باید به آنها می‌پرداختیم و می‌کوشیدیم تا روی آنها کار کنیم؛ بنابراین، حتی در فرهنگ‌های مختلف دنیا به بررسی این نمادها پرداختیم و نسبت به آنها مطالعه و احساس کردیم موضوعاتی هست که امکان دارد در بعضی از جوامع جاذبه داشته باشد. برای نمونه، در جامعه ما، امام حسین (ع)، بین یونانیها یا غربیها، اسپارتاکوس و در جای دیگر جنگجویان کوهستان، جاذبه دارند. به هر حال، در این ارتباط، مسائلی مطرح هست که روشنائیها و تاریکیهای مختلفی را بیان می‌کند و این جاذبه در سوژه یا تکنیک است که بیشتر سمبل‌های شخصی یا سمبل‌های اسطوره‌ای یا سمبل‌های قومی و ادبی را مطرح می‌کند و برای همه اینها شاهد و مثالی وجود دارد که زیاد بدان نمی‌پردازیم. افزون بر این، در مطالعاتی که داشتیم، بر اساس همان شاخصه‌هایی که عرض کردم، کمیته هنری پایه ریزی شد که یک بخش مطالعات مبنایی یا پایه‌ای هم دارد. بخش دیگر، حوزه ترجمه است که به طور مشخص، تجربه‌های کشورهای مختلف را در این زمینه ترجمه می‌کنند. برای نمونه، ساختار موزه‌های کانادا، ویرجینیا، مصر، آفریقای جنوبی، موزه سلطنتی جنگ شمال انگلستان، جنگ سرد آمریکا، جنگ‌های داخلی آمریکا، جنگ کره و... را بررسی کرده‌ایم که تعداد آنها بسیار زیاد است. برای نمونه، در قاره

امیر رزاق زاده:

در جنگ و انقلاب به طور مشخص، با سه نماد روشن در گیر بودیم که می‌توان آنها را

در آثار هنری جلوه گر کرد:

(۱) نماد انسانی،

(۲) نماد دینی - مذهبی و

(۳) نماد ملی

اروپا، حدود چهل کشور، در قاره اقیانوسیه، دو کشور استرالیا و زلاندنو، در قاره آفریقا، حدود ده کشور و در آسیا، حدود دوازده کشور را مطالعه کردیم. افزون بر آن، اطلاعات ۳۶ سایت راهنمای موزه‌های جنگ و نمادهای آن در ۱۶ سایت موجود است که حدود چهل تا پنجاه مورد آنها ترجمه شده است که عبارت‌اند از: اطلاعات مربوط به جنگ آتن در یونان، صلح ژاپن در هیروشیما، کشور یوگسلاوی، اطلاعات مربوط به مجسمه آزادی در آمریکا، موزه نظامی الجزایر، موزه و بنای شهید گمنام و مسجد الشهید در بغداد، موزه پلین در فلوریدا، تصویر چهره چند تن از رؤسای جمهور در آمریکا، که در کوهستان تراشیده بودند، موزه سلطنتی انگلستان، ناوهای جنگی انگلستان، که به نامهای مختلف و در نقاط مختلف راه اندازی شده بودند، موزه اتاقهای جنگ انگلستان، موزه الولید و چند موزه آلمان، موزه انقلاب ویتنام، موزه هوشیمه، موزه جنگ اتاوا، موزه جنگ مرکزی تایلند، بناهای یادبود روسیه در بیست کشور، که آنها را نام نمی‌بریم و تنها به یک نمونه اشاره می‌کنیم. برای نمونه، ساخت نماد مامایوف ۲۲ سال پس از جنگ جهانی دوم در کشور شوروی به درازا انجامید که هر یک از گذرگاه‌های آن حدود ۲۵۰ متر طول دارد و در رأس آن، مجسمه مام میهن با ۵۲ متر ارتفاع است و شمشیری در دست دارد که ارتفاع آن ۲۹ متر و وزنش ۱۴ تن است. در واقع، آنها از مسائل معنایی و مفهومی استفاده کرده‌اند که این جز کارهای ترجمه‌ای بود.

افزون بر این، مطالب و اطلاعات زیادی از وزارتخانه‌های مختلف نیز گردآوری شد. برای نمونه، نام دانش‌آموزان و معلمان اعزامی، شهیدان آموزش و پرورش و وزارت کار، که افراد آن کارگران صنفی بودند و همچنین،

تمامی آنها را نمی‌دهد. همچنین، بر اساس تمام این مسائل و موضوعاتی که وجود داشت، برای سیر گردش افراد در مجموعه تهیه شد که از لحظه ورود تا زمان خروج بحثهای معنایی و معناگرایی - که در سینمای ما هم مطرح هست - دقیقاً، در ذهن مخاطب شکل بگیرد. در این زمینه، فیلمنامه‌های مختلفی بود که بر اساس تجربه‌های کشورهای مختلف، موضوعات متفاوتی داشت. ما می‌توانستیم به صورت موضوعی روی این مباحث کار کنیم یا اینکه سیر زمانی داشته باشیم یا به صورت مکانی یا زمانی، جبهه‌های جنگ یا پشت جبهه را به تصویر بکشیم. در این ارتباط، بحثهای متفاوتی بود که بعضی از آنها هنوز در مرحله بحث است. مدیریت جنگ و تأثیر حضور مردم یکی از این مباحث اساسی مدنظر بود. در واقع، مردم صاحبان واقعی این جنگ هستند. بر این اساس، باید جلوه‌های مردمی جنگ را نمایان و بر اساس موضوعات مزبور نمادسازی کرد. برای نمونه، تصمیم گرفتیم برای شهادت یا ایثار بر اساس وقایع، نمادی را بسازیم و ارائه بدهیم. فعالیت کمیته هنری باید در این راستا به صورت جمعی، با واقعیت عجیب نسبت به سوژه انتخابی ایمان و باور وجود داشته و برگرفته از انسانیت و مذهب باشد. همچنین، از نظر تخصصی، کارشناسان نظامی، سیاسی، فرهنگی موضوع را تجزیه و تحلیل کنند تا از جریانی بگذرد و به باور تبدیل شود؛ باوری که به صورت کنترل شده، فرایندی را تعریف کند تا بتوان بر اساس آن، روش ساخت را مشخص کرد. در این چهارچوب، بر اساس واقعیتها و عملکردهای مردمی، در اضلاع خارجی این مجموعه - اضلاع شرقی و جنوبی - چند تابلو قرار دادیم که نشان دهنده حضور مردمی،

شهیدان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که بیشتر دانشجویان و استادان بودند، جمع آوری شده است. آمار وزارت کشاورزی و خدمات نیروهای جهاد کشاورزی و آمار اقلیتهای دینی و نام افراد اعزامی و شهیدان آنها نیز اخذ شده است. همچنین، از جمعیت زنان که در این زمینه کار می‌کردند، آمار گرفته‌ایم؛ زنانی که در بنیاد شهید، ستاد امور آزادگان و نقاط دیگر فعالیت می‌کردند. بر اساس چهارچوبی که عرض کردم برای جستجو، بازیابی، استفاده نشر، ارائه، حفظ و نگهداری اطلاعات جمع آوری شده را گردآوری، ذخیره و سازماندهی می‌کنیم و اطلاعات اضافی رها می‌شود. در این زمینه، نخست، نیازهای مخاطب را در نظر گرفتیم. برای مجموعه سازی، ابزار و روشهای خاصی داریم. روشهایی را برای فعال کردن و به روز کردن این مجموعه شناسایی می‌کنیم. در این راستا، بر اساس واقعیت موجود، رویه و الگویی را انتخاب و بعد راهکاری را برای موزه بزرگی که قرار است در کشور ساخته شود، ارائه می‌کنیم؛ زیرا، افراد بیشتر دنبال سخت افزار، زمین و ساختمان آن هستند، اما دنبال نرم افزار آن نیستند. همچنین، از راههای استفاده از تجربه‌ها و دانش افراد، مراجعه به منابع و متون مختلف، مشاوره با افراد صاحب نظر و مخاطب شناسی به نگرش تقریباً، همه جانبه‌ای دست یافتیم.

در داخل کشور، از موزه‌های مختلفی از جمله از صد مجموعه، نمایشگاه و موزه‌های دائمی و فصلی دیدن کردیم و توانستیم اطلاعات و تجربه‌هایی را در این مورد به دست آوریم. برای نمونه، از موزه تمدن ایران، برج آزادی و بسیاری از مکانها دیدنی دیگر بازدید کردیم که زمان اجازه ذکر نام



زنان، نیروهای مسلح و بسیجیان در جنگ است. تصویر دیگر وجود روحانیت با قرآن، پشت جبهه را نشان می‌دهد و در جبهه، نیز نیروهای ارتش، سپاه و عشایر با وحدت در کنار هم در حال نبرد با دشمن هستند. تابلوی دیگر نشان دهنده رژه نیروهای رزمنده به سوی خورشید است که در واقع، جلوه و نمادی از مذهب مردم ایران و نمادی از مدیریت جنگ یا امام(ره) است که آنها را به سوی خدا فرامی‌خواند. این تابلو در ضلع جنوبی ساخته و نصب شده است. تابلوی دیگر نمایانگر وضعیت جغرافیایی فلات قاره ایران و عراق است که به طور مشخص، ویژگیهای جغرافیایی ایران را نمایان می‌کند. در این زمینه، از افراد شاخص نظامی و صاحب نظر استفاده کردیم تا این تابلو دقیقاً، با واقعیت‌های جغرافیایی ایران باشد افرادی، همچون سردار سرلشکر غلامعلی رشید و دیگر عزیزان در این زمینه به ما کمک کردند. تابلوی دیگر نمادی از بدرقه پیکر شهید شيرودی در شهر کرمانشاه است. ایشان مورد وثوق مردم بود و مردم به این شهید بزرگوار اعتقاد و ایمان داشتند. همچنین، نمادی از اسارت ساخته ایم و تابلوی دیگری که نماد شهادت است، در مرحله ساخت و نصب قرار دارد. ساخت نمادی از مشاهیر جنگ در زمینه‌ها و قومیت‌های مختلف یکی از موضوعات دیگر بود. برای آزادگان هم جایی در نظر گرفته شده است. البته، موضوعات مختلفی در ذهنمان بود که بسیار زیاد است. به همین دلیل، صد موضوع مختلف را مشخص و بعد برداشت خود را نسبت به آن موضوعات بیان کردیم تا در این زمینه، مسائلی را پیدا کنیم که نماد جنگ باشد. برای نمونه، پلاک و چغیه یا قمقمه آب می‌تواند نماد جنگ باشد که برای این موارد هم طرح‌هایی را در نظر داشتیم و از نظر هنری، کارهایی صورت گرفته است. همچنین، با توجه به موضوعات زمانی جنگ، روزشمارها و اطلسها، مباحثی را در زمینه مسیر زمانی در نظر داشتیم. در زمینه سیاست داخلی و خارجی، مسائل کشوری، لشکری و فرهنگی از نویسندگان و راویان ارتشی، سپاهی، اسیران و کارشناسان مختلفی استفاده کردیم. به عنوان نمونه، برای نماد اسارت از مسئولان ستاد امور آزادگان دعوت کردیم و همچنین، در خدمت چند اسیر بودیم تا بتوانیم آن نماد را به واقعیت نزدیک کنیم. برای نمادسازی شهید هم با بنیاد شهید مکاتبه و از افراد مختلف و نزدیکان شهیدان دعوت کردیم.

بدین ترتیب، توانستیم نمادی بسازیم که در واقع، نمادی معنایی و نشان دهنده شهادت بود. پیش از این، که در شهرهای مختلف، مانند اصفهان، کرمان و تهران در این زمینه‌ها کار شده بود، از شهید چنین نمادی را ندیده بودیم. این نمادی

عجین با واقعیت و در عین حال، نشان دهنده تعالی یک شهید است که از پوسته خود - که به صورت نمادین کفن است - خارج می‌شود و در میان مردم، دست خالی و نیازمند خود را به سوی معبود دراز می‌کند و از قالب جسم رها می‌شود و به سمت معبود و معشوق خود پرواز می‌کند. در این زمینه، توانستیم به خوبی نمادسازی کنیم. برای مقاطع جنگ نیز ویژگی‌هایی را قرار دادیم که ویژگی تعرض، تجاوز و اشغال و آوارگی مردم را شامل می‌شد و شاخصهای مختلفی را در این زمینه مدنظر قرار دادیم که سیر مکانی و زمانی داشتند و در این میان، حماسه‌ها را به تصویر کشیدیم و مباحث مختلفی را مطرح کردیم.

با توجه به مباحث نظری که بدانها اشاره شد، لازم می‌دانم مجموعه کنونی موزه جنگ را به اختصار معرفی کنم. این مجموعه چند قسمت را در بر می‌گیرد. یکی کتابخانه تخصصی جنگ است که افراد بدان مراجعه و از منابع، متون، مجله‌ها و مآخذ موجود در آن استفاده می‌کنند. پژوهشگرانی که در ارتباط با جنگ به تحقیق مشغول اند، از این منابع بهره می‌برند و دانشجویان و دانش‌آموزان و دیگر افراد نیز از قرائت خانه موزه استفاده می‌کنند. در این بخش، که حدود دو سال پیش افتتاح شد، اعضای بسیار زیادی فعال هستند. بخش دیگر، پایگاه اطلاع‌رسانی جنگ است که تقریباً سایت فعالی داشت، اما اخیراً، به علت مسائل مالی که بیشتر متوجه این مجموعه بوده، اندکی رکود داشته است. منابع و مآخذی که در کتابخانه داریم یا از طرف مرکز منتشر شده است، به صورت کتابخانه دیجیتال و با فرمت PDF روی سایت منتقل شده و تحت شبکه Web است که مراجعه‌کنندگان به سایت می‌توانند از آنها استفاده و بدانها استناد کنند. تمام منابع و مآخذ، کتابهای روزشمار، اطلسها، کتابهای موضوعی، نشریه‌ها و مجله‌ها (مانند نگین و نگاه) روی سایت قرار گرفته‌اند و مراجعه‌کنندگان می‌توانند از آنها استفاده کنند. یکی دیگر از بخشهای این مجموعه قسمت اداری است که در آن قسمت هم، چند مورد از پروژه‌های مجموعه فعال است. همچنین، کارشناسان داخلی هنری و کارشناسانی که در بخش ترجمه کار می‌کنند، در این بخش فعالیت می‌کنند و از سایت‌های مختلف مطالب مختلفی را تهیه می‌کنند. همچنین، هنرمندان مختلفی نیز داریم. چندین نفر از افرادی که در زمینه ساخت موزه‌های جنگ در کمیته هنری فعال بوده‌اند و موزه‌های خرمشهر، کرمانشاه و دیگر نمادها را در شهرهای مختلف از جمله دهلاویه طراحی کرده‌اند، در مجموعه ما به فعالیت مشغول‌اند و آثار دیگری از آنها در دست ساخت است که در



جنگ است و یک بام مفاهیم داریم که ارزشهای جنگ در آن نمایان می‌شود، ضمن اینکه اطلاعاتی از مشاهیر جنگ هم در آن وجود دارد و اطلاعات مربوط به اقتدار، اصناف، عشایر و افراد شاخص در آنجا نشان داده می‌شود. همچنین، یک برج تاریخ داریم که نشان می‌دهد در ازمنه مختلف، ایران مورد تعرض قرار گرفته است. در چند قرن اخیر، ایران بیش از هفت بار مورد تجاوز قرار گرفته و طی دو بیست سال اخیر، بخشهایی از خاک سرزمین ما جدا شده که در آنجا، بدنه‌ها ارائه شده است، تنها در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، هیچ بخشی از سرزمین ما جدا نشده که این ارزش تلقی می‌شود. بخش دریایی مجموعه جنگ نیروی دریایی ارتش و سپاه را در بر می‌گیرد که در این ارتباط، از فرماندهان ارتش و سپاه در جلسات دعوت و از مطالبشان استفاده کردیم. بخش هوایی مجموعه موزه جنگ، نیز به طور مشخص نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و بخش هوانیروز را شامل می‌شود که در بخش هوایی، مؤثر بودند و همچنین، بخشهایی تحت عنوان بخش زمینی جنگ و بخش فرماندهی جنگ داریم. این مجموعه یک سالن سرپوشیده هم دارد که در آن، شاخصه‌ها، حماسه‌ها، مسائل و مفاهیم جنگ در عملیات‌ها نشان داده شده است. بخش زن و جنگ نیز به زنان شاخص جنگ و افراد مؤثری می‌پردازد که در جنگ حضور داشتند. در ضمن، قرار است وقایع مهم رخدادهای سرآمد جنگ با تصویر یا با دستگاهها و ابزار چندرسانه‌ای در اینجا عرضه شود که این هم تقریباً، یک قسمت مجموعه است. قسمت فوقانی مجموعه هم بام مفاهیم است که ایثار، شهادت، رشادت و غیره را شامل می‌شود. در حال حاضر، روی دو دسته از این مفاهیم کار شده و در این زمینه، دو تا سه تابلو داریم. روی تابلوی پیروزی خرمشهر هم کار کرده‌ایم که نصب شده است. البته، به علت آسیبهایی که در زیرسازی آن وجود داشته موقتاً، باز شده و کنار گذاشته شده است، اما در بهار آینده، پس از ترمیم زیرسازی، نصب می‌شود. این کلیت مجموعه موزه جنگ است. در پایان، باید یادآور شد که با توجه به تلاشهای صورت گرفته در این مجموعه، به نظر می‌رسد مطالعات پایه‌ای لازم، انجام شده است و در صورت حل پاره‌ای از مشکلات، می‌توان اهداف آن را در سطوح ملی دنبال کرد. هر چند در حال حاضر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حد بضاعت خود، از این مجموعه حمایت می‌کند، اما این مقدار کافی نیست و در حوزه سخت‌افزار، اعم از تجهیزات، منابع انسانی، ساختمان و منابع مالی به حمایت جدی نیاز داریم. تأکید می‌کنم برای حمایت و پشتیبانی از این مجموعه حتماً، باید در سطح ملی نگاه شود.

بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس می‌توان از آقای مهندس چمران نام برد. ایشان در قسمت مهندسی آنجا مسئولیت داشتند و مجری طرح بودند و از اعضای ثابت ما هستند. هنرمندانی را نیز داریم که در زمینه‌های مختلف کار کرده‌اند و در زمینه آثار هنری داخلی یا خارجی فعال بوده‌اند. ما از هنرمندان مختلفی در زمینه‌های مختلف، مانند گرافیک، مجسمه‌سازی، سفال‌سازی، قلم‌کاری، هنرهای تجسمی و نقاشی دعوت کردیم و بنا به توصیه سردار فرماندهی محترم کل سپاه، با معاونان و وزارت ارشاد و افراد فرهنگی دیگری که در ارتباط با این مجموعه بودند، صحبت کردیم. به اعتقاد آنها، کار انجام شده در این مجموعه منحصر به فرد است. همچنین، مقامات لشکری و کشوری و فرماندهان جنگ از اینجا بازدید کرده‌اند و این مجموعه مورد وثوق افراد مختلفی قرار گرفت که در زمینه‌های نظامی صاحب نظرند. افزون بر آن، معاونان وزارت خانه‌ها، هنرمندان و شخصیت‌های مختلفی که در زمینه‌های متفاوتی کار کرده بودند، از مجموعه ما بازدید کردند. از آموزش و پرورش هم آمدند و مراسمی را در سالن مابزرگزار کردند. در کل، این مجموعه مورد وثوق تمامی اقتدار بود و آنها بسیار مشتاق بودند که هر چه زودتر راه‌اندازی شود. پیش از این، دانش‌آموزان و دانشجویان مختلف ضمن بازدید از اینجا، نسبت به کتابخانه و سایت ابراز علاقه کردند و مردم عادی، همسایگان، آموزش و پرورش و مدارس، شدیداً تحت تأثیر این مجموعه قرار گرفتند و اقرار کردند کاری که قرار است در اینجا انجام شود و کاری که انجام شده بی‌نظیر است. مجموعه همچنین، یک آمفی‌تئاتر با گنجایش صد نفر و چند اتاق جانبی، لابی، نمازخانه و... دارد. امکاناتی که درون آن فراهم شده با سالنهای صدا و سیما قابل مقایسه است و قابلیت وصل به اینترنت را دارد. افزون بر آن، نمایشگاهی روباز و سنگرهایی نیز داریم. ما امهات جنگ را مشخص کرده و بر مبنای آن، این سنگرها را ساخته‌ایم که هم نمایانگر حضور مردمی و هم نمایانگر هدایت جنگ است. یک قسمت، بخش هدایت و رهبری کلان جنگ است که به امام (ره) مربوط می‌شود. قسمت دیگر همین سنگرهایی است که برای هدایت عملیتهای مختلف بوده و قرار است در آنها، برخی از مشاهیر جنگ که به شهادت رسیده‌اند، ساخته و به نمایش گذاشته شوند، مانند سردار سرلشکر شهید حسن باقری یا امیر سپهبد صیاد شیرازی که در هدایت عملیتهای تأثیر مستقیم و مؤثری داشتند و در سنگرهای فرماندهی، به عنوان دو تن از فرماندهان شاخص هدایتگر جنگ بودند. افزون بر سنگرهای فرماندهی، قسمت روبازی داریم که نشان دهنده سیر مکانی و زمانی